

روایت خنده‌ها و گریه‌های جنگ تحمیلی

پوکه

روایتگر: علی‌رضا کارد / کاردلی

نویسندگان: جواد کاردلی

دانیال کاردلی

انتشارات هاوژین

سرشناسه: کاردر رستمکلایی، علیرضا، ۱۳۳۸-

عنوان و نام پدیدآور: پوکه / روایتگر: علیرضا کاردر رستمکلایی

(کاردلی)؛ به اهتمام: جواد کاردر رستمکلایی، دانیال کاردر

رستمکلایی؛ ویراستار: سمانه سادات خاتمی

مشخصات نشر: ساری: هاوژین، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص

شابک: ۳ - ۳۱ - ۷۸۰۲ - ۶۲۲ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی و رکورد: فیبا

موضوع: کاردر رستمکلایی، علیرضا، ۱۳۳۸-

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷. خاطرات

شناسه افزوده: کاردر رستمکلایی، جواد / ۱۳۵۹

کاردر رستمکلایی، دانیال / ۱۳۷۶

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۲۹

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۱۲۷۲۱

روایت خنده‌ها و گریه‌های جنگ تحمیلی

پوکه

روایتگر: علیرضا کاردرد / کاردلی

نویسندگان:

جواد کاردرد رستیکلایی

دانیال کاردرد رستیکلایی

انتشارات هاوژین

نوبت چاپ: نخست . ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

ویراستار: سهانه سادات خاتمی

طراح جلد: سالار کاردلی

صفحه‌آرا: حامد حیدری فرد

مازندران . ساری . تلفن: ۳۳۳۶۱۲۳۹ - ۰۱۱

Email:havzhin.publish@yahoo.com

فهرست

نگرش اجمالی بر زندگی مؤلف	۷
پیش گفتار	۹
فصل اول: کردستان	۳۷
فصل دوم: فتح المبین	۶۷
فصل سوم: ایلام - دهلران	۹۷
فصل چهارم: والفجر ۸	۱۴۵
فصل پنجم: کربلای یک	۲۲۳
فصل ششم: هوالعظیم	۲۴۵
فصل هفتم: کربلای ۵	۲۶۵
فصل هشتم: آخرین مأموریت	۳۲۹

پیش‌گفتار

تصمیم بود مجموعه حاضر را تقدیم کنم به روح عرشی امام راحل، هم‌زمان شهیدم، هم‌سنگران عزیزم، والدین مرحومم و خانواده‌ام؛ اما وقتی رؤیای صادقه، اخوی مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی به خاطر آمد، شرم آمد که به خاطر نوشتن چند سطر ناقابل، توقع پاداش و انتظار هدیه به ساحت مقدس عزیزان کنم.

گویند: اخوی علامه طباطبایی در عالم رؤیا بهر بزرگوارشان را در خواب دیدند که ناراحت بود. سبب را از ایشان پرسیدند: در پاسخ گفت: چرا محمدحسین مرا در ثواب تفسیرالمیزان شریک نکرد؟! اخوی وی خدمت ایشان رسیدند و آنچه را که در خواب دیدند، باز گفتند. علامه فرمودند: من نمی‌دانستم نوشتن المیزان، ثوابی هم دارد. حال اگر ثوابی است، خداوند نصیب والدینم نیز بفرماید. حال وقتی المیزان که در میان همه کتب دینی و تفاسیر، چون خورشید می‌درخشد و سرآمد کتب دینی هم است، نویسنده‌اش انتظار ثواب ندارد، من که به خاطر چند سطر ارزان‌تر از ارزن که بی‌شباهت به انشاء دوران تحصیلام نیست، اگر انتظار پاداش داشته باشم، بسی گستاخ‌یست؛ لذا تصمیم با خداست و من تسلیم تصمیم اویم. اگر ثوابی عنایت فرمودند، عاید همه رفتگان و خوانندگان و خوبان گردد.